

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۴/۲۰

صفحات: ۱۱۷-۱۴۳

## واکاوی شیوه‌های مدیریت بحران فدراسیون روسیه در مساله اوکراین

۱. محسن حبیبی

۲. احمد بخشایشی اردستانی (نویسنده مسئول)

۳. سید علی طباطبایی پناه

### چکیده

روابط با اوکراین در سیاست خارجی روسیه بعد از فروپاشی شوروی از اهمیت خاصی برخوردار شد که این اهمیت تنها ژئوپلیتیکی و ژئوراهبردی نیست. برقراری روابط روسیه با اوکراین بعنوان کشوری که روسیه آن را بعنوان حوزه خارج نزدیک خود قلمداد می‌کند با جدایی دردناکی توأم بوده و روند پیچیده تشخیص هویت متقابل دو کشور را منعکس می‌کند. از این رو بحران فرسایشی اوکراین همواره با قدرت سخت افزاری روسیه پاسخ داده شده است، که آخرین مورد آن بحران تنگه کرچ و دریای آزوف بوده است که با پاسخ سخت روسیه در قبال کارشکنی‌های پروشکو مواجه شده است. نوشتار پیش رو در پی پاسخ به این پرسش است که روسیه چگونه و با استفاده از چه فنون و ابزارهایی به مدیریت بحران اوکراین اقدام کرده است؟ پاسخ این پرسش این است که منطق رهیافت روسی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی حکایت از آن دارد که بعلت اهمیت اوکراین برای این کشور، روسیه در قالب الگوهای مدیریت بحران مبتنی بر الگوهای توازن قوای نامتقارن، تک خطی و تک - چند قطبی، با استفاده از اهرم‌های سخت افزاری و اهرم‌های تکمیلی نرم افزاری به مدیریت بحران اوکراین پرداخته است. روش پژوهش این نوشتار مبتنی بر راهبرد پژوهشی توصیفی تحلیلی است.

**واژگان کلیدی:** مدیریت بحران، الگوی تک خطی، الگوی تک چند قطبی، اهرم‌های سخت

افزاری، اهرم‌های نرم افزاری.

۱. گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Mohsenhabibi77@gmail.com

۲. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ahmadbakhshayesh@gmail.com

۳. گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ali.tabatabaei\_pannah@iauctb.ac.ir

بحران هم زاد بشر بوده است و تاریخی به طول سر گذشت بشریت دارد که از ابتدای خلقت نوع انسانی رقابتی مستمر بین آن‌ها برای رسیدن به هدف‌های خود و دست‌اندازی بر سرزمین‌های منافع محور برقرار بوده است. بحران‌های زیادی در گوشه و کنار کرهٔ خاکی روی داده است که از یک سو منجر به درگیری‌های فرسایشی و ریخته شدن خون‌های زیادی شده است و از سوی دیگر کشورها را به فکر ایجاد مدل‌ها و الگوهایی برای کنترل اوضاع و مدیریت رخدادهای انداخته است. مدیریت بحران یکی از مهمترین مسائل در گسترهٔ سیاست خارجی کنشگران بین‌المللی به حساب می‌آید. کشورها برای انجام این مهم از ابزارها و فنون مختلفی بهره می‌برند. در واقع برحسب اینکه بحران برای آن‌ها چه درجه‌ای اهمیت دارد و آیا در داخل مرزهای ملی یا در کشورهای همجوار یا همپیمانان، در حقیقت همجواری، موضوع مهمی در حوزهٔ مدیریت بحران‌های بین‌المللی است. به سخنی کشورها معمولاً سرزمین‌های همجوار خود را به عنوان عمق ژئوپلیتیکی خود در نظر می‌گیرند که خدشه به این گستره‌ها تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی آن‌ها است. به همین اعتبار معمولاً در بحران‌هایی که در حوزهٔ حیاتی و امنیتی کشورها رخ می‌دهد، واکنش کشور مدیریت کننده سخت، شدید و به بیانی بیشتر از راه ابزارهای نظامی مبتنی بر قاعدهٔ زور یا تهدید به استفاده از آن خواهد بود. شایان توجه اینکه بحران اوکراین و اهمیت این کشور برای روسیه مصداق آشکار آنچه بیان شده است. به این صورت که امنیت این کشور و نبود اختلال در آنچه از طرف گروه‌های داخلی و چه به وسیلهٔ کنشگران خارجی سوم، با امنیت روسیه پیوندی استوار دارد و در واقع خطر لحظه‌ای و آنی است. بررسی رفتار روسیه در زمان بحران‌ها، گویای این است که هرگونه اختلال در کشورهای واقع در خارج نزدیک و حیاط خلوتش را با ابزارهای نظامی پاسخ داده خواهد شد و در این مورد هیچگونه ممانعتی از سوی روسیه دیده نخواهد شد. این نوشتار در پی آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ دهد که روسیه چگونه و با استفاده از چه فنون و ابزارهایی به مدیریت بحران اوکراین اقدام کرده است؟ فرضیه پژوهش این است با توجه به غم از دست دادن عظمت دوران شوروی و تنزل از جایگاه ابرقدرتی به قدرت بزرگ و جابجایی جهت سیاست خارجی از عمل‌گرایی محافظه کار به عمل‌گرایی تهاجمی در راستای تلاشی ایجابی برای عقده‌گشایی از تحقیرهای روسیه توسط غرب به رهبری آمریکا موجب شد تا فدراسیون روسیه بعد از روی کار آمدن پوتین نسبت به بحران‌هایی که در

\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ◊  
حوزه‌های خارج نزدیک آن اتفاق می‌افتد حساس باشد و از اهرم‌های سخت افزاری و تکمیلی نرم افزاری در قالب الگوی موازنه نامتقارن، تک خطی و تک چند قطبی، برای مدیریت بحران استفاده کند که این مهم در طول بخش‌های چندگانه این نوشتار مورد توجه و دقت قرار می‌گیرد.

### چارچوب نظری

هیچ تعریف پذیرفته شده جهانی از بحران وجود ندارد؛ با این حال، بسیاری از نقطه نظر سازمانی و با تمرکز بر اثرات بحران به تعریف آن پرداخته‌اند (Ziek, ۲۰۱۵: ۳۷). اگرچه از لحاظ زبان‌شناسی واژه بحران کم و بیش معنی واضح و مشخصی دارد، تاکنون گفتمان و ادبیات واحد و شفافی درباره آن شکل نگرفته است و ارائه تعریفی مشخص و قابل اجماع را از مفهوم بحران ناممکن می‌کند. به بیان چارلز مک کللند در ۵۰ سال گذشته از منظرهای گوناگون درباره بحران بسیار مطالعه و تحقیق شده است (Robert, ۱۹۸۸، ۹). مدیریت بحران عبارتست از تلاش نظام یافته توسط اعضای سازمان همراه با ذینفعان خارج از سازمان در جهت پیشگیری از بحران‌ها و یا مدیریت اثربخش آن‌ها در زمان وقوع (Pearson & Clair, ۱۹۹۸: ۶۱). در واقع می‌توان گفت که هدف اصلی مدیریت بحران دستیابی به راه‌حلی رضایت بخش برای برطرف کردن شرایط غیر عادی به طریقی است که منافع و ارزش‌های اساسی حفظ و تامین شوند. (معمارزاده و سرافرازی، ۱۳۸۹: ۵۴). مدیریت بحران، اقدامی است که در بسیاری موارد، شبیه به جنگ محدود است که هم شامل هدف «مثبت» یا سنتی حفظ اهداف ملی می‌شود، هم شامل هدف منفی اطمینان از اینکه شرایط از کنترل خارج نشده و به جنگ تبدیل نشود (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۰۹). از نگاهی دیگر، مدیریت بحران، در ادبیات سیاسی جهان دارای دو معنی مشخص است؛ یک معنی مربوط به رفتار مشارکت کنندگان و شناسایی راهکارهایی است که دولت‌ها برای فائق آمدن بر فشارها به کار می‌برند (رفتار مشارکت‌کننده)، و دیگری مربوط به رفتار واسطه‌ها است (نقش‌های میانجی)، به ویژه اینکه بیشتر قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، یا مانع گسترش بحران می‌شوند و یا اینکه کاهش بحران میان دولتها را تسریع می‌کنند (برچر و و دیگران: ۳۶۸). به عبارت دیگر، مدیریت بحران، آمیخته‌گریبی از رقابت متقابل از یک سو و «خطرهای مشترک» از سوی دیگر است. (Schelling, ۱۹۶۶: ۱۲۰). بنابراین، بازیگران بحران از شیوه‌های مختلفی برای غلبه بر آن بهره می‌گیرند.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهارم و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —  
در اینجا برترین شیوه مدیریت بحران‌های بین‌المللی که توسط هر یک از بازیگران به کار می‌رود، برحسب درجه خشونت آمیز بودن آن، از عدم خشونت تا خشونت به ترتیب عبارتند از: (۱) شیوه صلح آمیز (شامل مذاکره به عنوان مثال اعزام هیئت‌های رسمی دوجانبه، میانجیگری، مثلاً توسط سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای شیوه‌های چندگانه بدون خشونت، و فشار غیرنظامی همچون لغو کمک‌های اقتصادی مورد تعهد)؛ (۲) شیوه‌های نظامی غیرخشن (شامل اقدامات فیزیکی، مانند مانورهای نظامی و اقدامات شفاهی مانند تهدید به استفاده از خشونت)؛ و (۳) شیوه‌های خشونت آمیز (برچر و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۵).

بحران شیوه‌ها و فنون مختلفی دارد. این تکنیک‌ها شامل گفتگو از راه میانجیگری و فشارهای به دور از خشونت، تا اقدام‌های خشن نظامی است. بازیگران معمولاً برحسب نوع بحران و با احتساب میزان توانایی‌های بالقوه و بالفعل، اهمیت بحران و گستره جغرافیایی که بحران در آن رخ داده، مجموعه راهکارهایی را با هدف مهار بحران به کار می‌گیرند (صلواتیان و روشندل اربطانی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). به شکل کلی، فنون مدیریت بحران در چهار محور ساختاری، نرم افزاری، سخت افزاری و هوشمند طبقه‌بندی می‌شوند: فنون نرم افزاری شامل میانجیگری کشورها به صورت منفرد یا از راه سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، فشارهای غیرنظامی چون تحریم‌های اقتصادی، گفتگوهای دیپلماتیک رسمی و غیررسمی دوجانبه و چندجانبه، تحریک اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی و تلاش‌های تبلیغی و رسانه‌ای است. فنون سخت افزاری شامل راه‌های خشونت‌آمیز مانند جنگ همه جانبه، برخوردهای کوچک و مداخله نظامی و تسلیح گروه‌های داخلی بوده و فنون مدیریت هوشمند بحران عبارت است از استفاده هم‌زمان از ابزارهای سخت افزاری و نرم افزاری مانند مداخله‌های نظامی در کنار استفاده از کانال‌های دیپلماتیک چندجانبه و دوجانبه مسالمت آمیز. مسئله مهمتر در این مورد نوع مدیریت بحران ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای است. بررسی روندهای تاریخی حاکی از آن است که کشورها برای مدیریت بحران‌ها از روش‌های متفاوتی بهره گرفته‌اند و از گذشته تا به امروز این فنون با تفاوت‌های اندکی بر عرصه تصمیم‌گیری و اقدام این کنشگران حاکم بوده است. به شکل کلی، چهار رهیافت مهم در مدیریت بحران‌های بین‌المللی قابل شناسایی است.

نخستین رهیافت، رهیافت آمریکایی است. فن مدیریت بحران آمریکایی آمیزه‌ای از فنون امنیتی نظامی و سیاسی است؛ از یک سو همواره ماهیتی سخت افزارانه و هژمونیک دارد و از سوی دیگر، به سیمایی نرم افزارانه آراسته است. به بیان دیگر، این رویکرد هرچند منطق زور و

\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ۵

نظامی‌گری را فراموش نکرده است، اما چهره‌های نرم قدرت را نیز به خدمت گرفته است. دومین رهیافت، رهیافت اروپایی است، (مک کارتی، ۱۳۸۱: ۳۶۲). مدیریت اروپایی بحران‌های بین‌المللی به دنبال به دست آوردن اعتبار بیشتر و استفاده از قدرت نرم و به دنبال نقش آفرینی بیشتر در عرصه سیاست بین‌المللی است و برای ایفای یک نقش قدرتمند نرم افزاری در صحنه جهانی تلاش می‌کند. منطق آن بر همکاری بین دولتی اروپایی در قالب اتحادیه اروپا استوار است. در واقع ستون پایه‌های مدیریت اروپایی بحران‌های بین‌المللی بر همکاری‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی استوار بوده است. از این رو می‌توان بیان داشت که سبک اتحادیه اروپا در مدیریت بحران مبتنی بر "چند جانبه‌گرایی موثر" بوده است. رویکرد چینی‌ها، محور سوم قابل بحث است. سبک و روش مدیریتی (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۳). چینی‌ها تاکنون توانسته است تا بحران‌های مختلفی را در روابط بین‌الملل و منطقه‌ای مدیریت کند. رهبری حزب و دولت چین همواره مسائلی چون عادی سازی روابط، ثبات سازی سودمندی دوجانبه در مدیریت بحران‌های بین‌المللی را دنبال کرده است. این سبک از مدیریت بحران به دنبال چانه زنی است. چینی‌ها توسعه را در بستر امنیت بین‌المللی دنبال می‌کنند (۱۸۹-۱۸۶: ۲۰۰۶: Deng). آخرین رهیافت، رهیافت فدراسیون روسیه در مدیریت بحران‌های بین‌المللی است. روس‌ها نگاه منحصر به فردی در مورد بحران‌ها و شکل واکنش به آن دارند و به بحران‌ها به عنوان بازی با حاصل جمع صفر و برد باخت می‌نگرند. راهبرد رفتار بین‌المللی روس‌ها از گذشته‌های دور تا به امروز بر این مبنا بوده است که می‌توان با داشتن کارت‌های برنده با قدرت در پشت میز گفتگو قرار گرفت. مدیریت روسی بحران‌های بین‌المللی به محض مشاهده ضعف در امر چانه زنی برای به دست آوردن امتیازهای بیشتر به زور متوسل می‌شود و رفتار تهاجمی در پیش می‌گیرد.

در این الگوی رفتاری، روسیه به عنوان قدرتی بزرگ در رسیدن به هدف‌های خود، به استفاده از تهدید و در نهایت زور اقدام می‌کند (میلر، ۱۳۷۶: ۴). هر چه طرف‌های بحران به مرزهای روسیه نزدیکتر باشد، امکان حمله نظامی و واکنش سخت روسیه نیز بیشتر محتمل است، زیرا روسیه سرزمین‌های هم‌جوار را "خارج نزدیک" و "حیاط خلوت" خود می‌داند، مداخله و ناآرامی در این منطقه بر نمی‌تابد و چنانچه شرایط مهیا باشد، با تمام قدرت عکس‌العمل نشان می‌دهد (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۶). در اینجا اشاره ای به فرآیند تصمیم‌گیری در رهیافت مدیریت روسی بحران‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

در این رابطه به شکل کلی دو رهیافت اساسی در برابر مدیریت بحران وجود دارد که عبارت‌اند از رهیافت‌های تک مرکزی و چند مرکزی؛ رهیافت تک مرکز بیان می‌دارد که مدیریت و پاسخ به شرایط بحران در دست یک قدرت مرکزی متمرکز و قدرتمند است. بر مبنای این رهیافت در زمان مدیریت بحران، قدرت در دست افراد محدودی قرار دارد که به نامیده می‌شوند. در مقابل، رهیافت چندمرکز، رقابت را « تیم مدیریت بحران » اصطلاح وسیله‌ای انکارناپذیر برای به کارگیری نظارت سالم و تعدیل تمرکز بالقوه قدرت تصمیم‌گیری معرفی می‌کند. رهیافت چند مرکز از خطرهای تفکر یک گروه مشخص می‌کاهد (مک کارتی، ۱۳۸۱: ۶۹-۷۰). شایان توجه اینکه، شواهد تاریخی گواه گرایش روسیه به رهیافت‌های تک مرکز بوده است. امروزه نیز در دوران روسیه جدید، شیوه تصمیم‌گیری نسبت به گذشته تغییر چندانی نکرده است و رئیس‌جمهور همراه با شورای عالی امنیت ملی تعیین‌کننده‌اند. با در نظر داشتن این چارچوب مفهومی، تلاش می‌شود تا ضمن بررسی اهمیت اوکراین در سیاست خارجی روسیه، ابعاد بحران این کشور مطرح و سرانجام مدیریت این رویداد به وسیله فدراسیون روسیه بررسی شود.

### مدیریت بحران اوکراین به وسیله فدراسیون روسیه

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچر اوکراین و اهمیت آن برای روسیه، تحولات اخیر این کشور برای مسکو تهدیدی اساسی به شمار می‌رود و منافع تعریف شده حیاتی کرملین را در معرض خطر جدی قرار داده است. بنابراین روسیه برای مدیریت و مهار بحران در راستای تأمین منافع سنتی و برهم نخوردن توازن موجود تلاش می‌کند. مدیریت روسی بحران‌های بین‌المللی متأثر از سنت تاریخی رفتار روس‌ها در سطح بین‌المللی است. این نوع مدیریت قدمتی تاریخی و سرزمینی از روس‌های تزاری، روس‌های شوروی و روس‌های فعلی دارد و برایندها بروز یک رفتار مشترک سیاسی از زمان ظهور تزارها تاکنون است. می‌توان این رفتار مشترک سیاسی را استراتژی رفتار بین‌المللی روس‌ها نیز نامید. این رویکرد و لایه‌های این استراتژی که در سطح ملی بر رفتار مخاطره‌آمیز روس‌ها و بر ستون پایه‌های ایدئولوژیکی، قدرت نظامی و ژئوپلیتیک سیطره دارد، قابل شناسایی است (Adomeit, ۱۹۸۲: ۱۶-۱۹). این استراتژی خطرناک و تهاجمی بوده و حافظه تاریخی مالمال از این خطرات را در خود ثبت کرده است. انگیزه تهاجمی در اتخاذ این استراتژی گسترش طلبی ارضی، مرزی، سرزمینی و مداخلات

\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ۵

ارضی است. مدیریت روسی بحران‌های بین‌المللی به محض مشاهده ضعف طرف بحران در امر چانه‌زنی برای کسب امتیازات بیشتر به زور متوسل می‌شود. هر چه کشور طرف بحران به مرزهای روسیه نزدیکتر باشد، امکان حمله نظامی به آن بیشتر می‌باشد، مانند نمونه اوکراین و شبه جزیره کریمه (۵۵: ۱۹۸۲، Adomeit). به طور کلی چه پیش از فروپاشی شوروی و چه پس از، پاسخ به بحران‌هایی که کمترین تهدید را برای امنیت ملی روسیه و یا منافع استراتژیک این کشور دنبال داشته‌اند، در وهله نخست از طریق به کارگیری قدرت نظامی و یا تهدید به آن صورت گرفته است. به عبارت دیگر واکنش اولیه روس‌ها به بحران همواره همواره سخت‌افزاری و مقابله جویانه بوده است. البته می‌توان رفتار روس‌ها در مواجهه با بحران‌ها را در فضای فرهنگی و هنجاری نیز مورد مطالعه قرار داد. همواره نوعی پیوند تاریخی بین تکنولوژی نظامی، انرژی و ایدئولوژی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی وجود داشته است. تکنولوژی تسلیحاتی و انرژی از ابزارهای قدرت روس‌ها بشمار می‌روند.

توسعه روابط استراتژیک با برخی کشورهای امریکای لاتین، همکاری‌های استراتژیک با چین و هند، دیپلماسی تسلیحاتی و انرژی با برخی از کشورهای خاورمیانه و مهمتر از همه سیاست تلافی جویانه انرژی در قبال اروپا از ستون پایه‌های نامبرده شده در مدیریت روس بحران‌های بین‌المللی است (۱۶-۱۴: ۲۰۰۵، Alexander). در این راستا فدراسیون روسیه راهبردها و راهکارهایی به کار گرفته است که در این نوشتار به تحلیل آن پرداخته می‌شود.

### الف) مدیریت بحران مبتنی بر الگوی توازن قوا

موازنه به لحاظ مفهومی بر مبنای دو گزاره بنیادین قوام یافته است: (۱) تمرکز قدرت در هر بازیگری، سبب کاهش ضریب امنیتی دیگر بازیگران خواهد شد؛ (۲) در یک نظم آنارشیک بین‌المللی، دولت‌ها برای بقا و افزایش امنیت خود، مجبور به مقابله با تمرکز قدرت در نظام هستند (چگینی زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۱-۲۳۰). مفروض نظریه موازنه قدرت این است که چون دولت‌ها در محیط آنارشیک جهانی عمل می‌کنند، برای حداکثرسازی شانس بقای خود در بلندمدت، با افزایش توانمندی‌های خود از تمرکز شدید قدرت جلوگیری خواهند کرد (بروکز و وولفورث، ۱۳۹۲: ۵۵-۵۴). در موازنه قوا، الگوی رفتاری قدرت‌ها براساس نوعی "منطق قدرت" بنیان نهاده شده است. این نکته نباید موجب برداشت اشتباه در مورد به کارگیری قدرت سخت در رفتار دولت‌ها شود، زیرا با تحول در مفهوم قدرت، شیوه‌های رفتاری مبتنی بر قدرت دولت‌ها

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

نیز تحول یافته است؛ به این معنا که ماهیت قدرت، تحول یافته و از حوزه‌های صرفاً سخت افزاری و نظامی، به حوزه‌های نرم افزاری و هوشمند مبتنی بر اقتصاد، ارتباطات، دیپلماسی و سیاست عمومی گسترش یافته است؛ از این رو، با توجه به تغییر در ماهیت قدرت، درک دولت‌ها از معیارها و ملاک‌های قدرت نیز تغییر کرده است. این عامل، منجر به گسترش منطقی محدود قدرت در موازنه قوای سنتی به شکل جدیدی شده است که در آن هرگونه افزایش توانایی و قابلیت در حوزه‌های یادشده، به معنای برهم زدن موازنه است. لذا با تحول موازنه قدرت در درک دولت‌ها از قدرت، الگوی رفتاری آن‌ها نیز تغییر کرده است به مثابه موازنه قوا تنها یک راهبرد را در برابر قدرت روبه افزایش یک بازیگر یا قدرت هژمونیک می‌پذیرد و آن، ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمونیک یا قدرت روبه گسترش یکی از طرف‌ها است (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۳۹۹).

در الگوی موازنه قوا، قدرت‌ها در واکنش به بحران‌ها، به سمت اقدام منفردانه و جمعی علیه وضع بحرانی حرکت می‌کنند؛ از همین رو، شاهد ایجاد الگوهای رفتاری متفاوتی در نظام موازنه قوا هستیم. منطق بحران در نظام موازنه قوا مبتنی بر جابجایی در توزیع توانمندی قدرت‌ها است. در اینجا بحران، اشاره به افزایش قدرت یک بازیگر و کاهش قدرت سایر بازیگران دارد. قدرت‌ها به تناسب اینکه بحران، چه تأثیری بر موازنه قوای بین آن‌ها دارد، اقدام به کنشگری و یا مدیریت آن، بنابر ملاحظات خود مبنی بر حفظ موازنه قوا می‌کنند. در مقابل این نوع از کنشگری، قدرت یا قدرتهایی که درصدد برهم زدن موازنه قوا هستند، تلاش می‌کنند مدیریت بحران را به سمت و سویی خلاف موازنه قوا بکشانند و نیز در پی گسترش قدرت و فائق کردن خود به عنوان قدرت برتر هستند؛ در بحران اوکراین، با قدرت‌گیری غرب گرایان، موازنه قوا علیه نظام امنیتی روسیه دستخوش تحول شد؛ از همین رو روسیه به تناسب قدرت و توانمندی خود تلاش می‌کند این بحران را مدیریت کند و یا پاسخی تهاجمی به افزایش قدرت اتحادیه اروپا بدهد.

### ب) مدیریت بحران مبتنی بر الگوی یکجانبه گرایی

در نظام تک خطی، قدرت برتر به قدرتی امپریالیستی، زورگو و سلطه طلب تبدیل خواهد شد. در این نوع از نظام، قدرت برتر با زور و اجبار، سلطه خود را تداوم می‌بخشد و زیردستان و بازیگران تابع، از وضعیت خود ناراضی هستند و برای تغییر این وضعیت تلاش می‌کنند، اما از



\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ۵

قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کافی برای این هیچ منظور برخوردار نیستند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۴۳۵). بنابراین در نظام تک‌خطی، دیگری به اندازه‌ای قوی نیست که بتواند علیه قدرت برتر اقدام به «دولت منفرد» موازنه کند. در نتیجه، قدرت برتر در مقایسه با دیگر قدرت‌ها از امنیت بیشتری برخوردار است، قادر به تعیین نتیجه بسیاری از مسائل بین‌المللی است و شانس این نوع از زیادی برای کنترل رفتار دیگران دارد (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۷۸۹-۷۸۸). نظام، تقریباً در انتهای طیف نظام هژمونیک قرار دارد و بیش از هر چیز بر استیلا تکیه دارد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۴۳۵).

الگوی رفتاری "یکجانبه‌گرا" از طریق تحمیل اراده، عموماً بصورت «انحصارگرا» و «سلطه‌گرایانه» ظاهر می‌شود. یعنی بازیگر قدرتمند، قدرت خود را در مقابل کشورهای کوچکتر به کار می‌گیرد و در صدد تابع کردن بازیگران دیگر است؛ بنابراین در این شکل از نظام، قدرت برتر به تنهایی بحران‌ها را رهبری و مدیریت می‌کند و دیگر بازیگران، همچون تابعان در مقابل آن عمل می‌کنند. قدرت برتر در این نوع نظم، بازیگری فعال، بلامنازع و انحصارگرا در سطح سیستم است. در این الگوی رفتاری، قدرت برتر برای دستیابی به اهداف خود، اقدام به استفاده از تهدید و در نهایت زور علیه منافع امنیتی و استراتژیک دیگر قدرت‌ها می‌کند. در این الگو، قدرت برتر به مثابه بازیگری که مدیریت نظام را برعهده دارد، نقش آفرینی می‌کند.

لزوماً این قدرت برتر درصدد حذف و سرکوب بحران‌های بین‌المللی نیست، بلکه به منظور حفظ و ارتقای قدرت خویش از دو منظر با ساختار هستند؛ «بر» بحران‌های بین‌المللی برخورد می‌کند؛ نخست، بحران‌هایی که به بازیگران و محیط «پاسخی تمام عیار و قاطعانه» در این نوع بحران‌ها، قدرت برتر این الگوی رفتاری به لحاظ استفاده سریع از زور، به الگوی رفتار؛ «بحران می‌دهد ساختار و نه بر ساختار هستند؛ «در» دوم، بحران‌هایی که؛ «تهاجمی نزدیک است قدرت برتر در این نوع بحران‌ها معمولاً براساس اینکه این بحران‌ها موجب ایجاد چالش و ارتقای قدرت برای وی می‌شوند، پاسخ‌های متفاوتی بروز می‌دهد. در بحران‌هایی که موجب ایجاد چالش می‌شوند، قدرت برتر پاسخی ارائه می‌دهد که از دادن به «سمت و سو» یا «تداوم» کردن بحران تا مدیریت آن به معنای «حذف و محو» بحران در راستای ملاحظات خویش امتداد دارد. در بحران‌هایی که زمینه ساز ارتقای توان قدرت برتر شوند، تلاش می‌کند بحران موجود را به سمت نهادسازی موازی با جایگاه و موقعیت برتر قدرت خود هدایت کند. از این منظر، اگر بحران‌های بین‌المللی را به مثابه روندهای تغییر و دگرگونی در همه سطوح سیستم تعریف کنیم، قدرت برتر در این روند در پی نوعی "تغییر باثبات"، (به گفته تونی بلر) است؛ لزوماً ساختار

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —  
سیستم را مختل نمی‌کند و همچنین به موقعیت برتر قدرت برتر نه تنها خدشه ای وارد نمی‌سازد، بلکه به استحکام و ثبات آن می‌افزاید.

در این الگوی رفتاری، نوع پاسخ قدرت برتر به بحران‌ها، به رفتار و موضع‌گیری قدرت‌های مدعی نیز بستگی دارد؛ به این معنا که موضع‌گیری متضاد قدرت‌های مدعی در برابر قدرت برتر می‌تواند فضای مدیریت بحران را تیره و نامشخص کند. در این موارد، مدیریت بحران، عرصه‌ای میدانی و در عمل خواهد بود. در این حالت، متغیرهای تأثیرگذار فراوانی وارد می‌شوند که ممکن است امکان آنچه "اشراف تمام عیار" نامیده می‌شود را از قدرت برتر بستانند. ضمیمه کردن کریمه توسط روسیه در بحران اوکراین، از جمله نمونه‌های عینی این الگوی رفتاری هستند. بدیهی است که رفتار تهاجمی همواره در راستای تغییر وضع موجود انجام می‌شود (میلر، ۱۳۷۶: ۵۸).

### ج) الگوی تهاجمی نظامی مدیریت بحران

توجه به اهمیت راهبردی کشورهای منطقه خارج نزدیک در کنار دیدگاه تاریخی و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی روسیه نسبت به اوکراین، این کشور را به به کارگرفتن روش‌های سخت وادار کرده است که مهمترین تجلی آن پس از برکناری یانکوویچ و پیوستن "شبه جزیره کریمه" با زور رخ داد (Cecire, ۲۰۱۴:۱). شایان توجه اینکه رفتار تهاجمی روسیه در مورد بحران اوکراین و خودداری این کشور از احترام به تمامیت ارضی این کشور برخاسته از "شم ژئوپلیتیکی رهبران روسیه است (دهشیار، ۱۳۹۳: ۱۹۴).

برای شناخت دقیق‌تر مدیریت بحران اوکراین به وسیله روسیه اشاره‌ای مختصر به مراحل مختلف بحران برای فهم اینکه روسیه از چه مرحله‌ای دست به اقدام سخت‌افزاری زد، ضروری به نظر می‌رسد. بحران اوکراین تاکنون سه مرحله را پشت سر گذاشته است: مرحله اول، از نوامبر ۲۰۱۳ تا فوریه ۲۰۱۴ پس از رد امضای توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا از سوی ویکتور یانکوویچ رئیس جمهوری پیشین، آغاز و با تظاهرات و اعتراض‌های گسترده در کی‌یف و دیگر شهرهای اوکراین همراه شد که در نهایت در ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ به خروج یانکوویچ از کی‌یف و به دنبال آن برپایی دولت موقت اوکراین انجامید. در مرحله دوم که از اواسط فوریه تا اواخر مارس ۲۰۱۴ به طول انجامید، بحران با اقدام روسیه در راستای مدیریت بحران و به دنبال پیوستن جمهوری کریمه، ماهیتی منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کرد که در جریان آن علاوه بر

\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ۵

روسیه، اتحادیه اروپا و آمریکا به عنوان دو بازیگر غربی وارد عرصه شدند و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نیز اقدامات اولیه خود را برای مقابله با سیاست‌های روسیه آغاز کرد؛ اما مرحله سوم بحران که از ماه‌های آخر سال ۲۰۱۴ و اوایل سال ۲۰۱۵ شروع شد، مطرح شدن جدی بحث تجزیه طلبی و جدایی بخش‌های شرقی و جنوب شرقی از اوکراین و پیوستن آن به روسیه بنابر طرح مدلی مشابه با پیوستن کریمه است. اما مسئله مهم این است که با سقوط یانوکوویچ و پیوستن شبه جزیره کریمه بحث مدیریت بحران اوکراین به وسیله مسکو اهمیت پیدا می‌کند. فرآیند پیوستن شبه جزیره کریمه و مدیریت بحران روسیه بدین صورت بود که در جریان این بحران «سرگئی آکسینوف» در نشست اضطراری پارلمان کریمه به عنوان نخست وزیر این انتخاب شد. آکسینوف که به جناح هوادار روسیه تعلق دارد، بلافاصله اعلام کرد که دولت جدید اوکراین را غیرقانونی می‌داند و تمام نیروهای نظامی امنیتی شبه جزیره فقط باید از دولت کریمه دستور بگیرند. وی همچنین از روسیه برای حفظ صلح و آرامش درخواست کمک کرد. در اول مارس ۲۰۱۴، پارلمان روسیه هم به ولادیمیر پوتین اجازه داد تا از نیروهای نظامی روسیه در اوکراین استفاده کند. روس‌ها پس از دستور پوتین، واحدهای توپخانه، واحدهای دفاع هوایی، هلیکوپترها، کشتی‌های جنگی و سربازان خود را برای پیوستن شبه جزیره به خاک خود، به حالت آماده باش درآوردند. در ۲۸ فوریه ۲۰۱۴، نیروهای نظامی ارتش روسیه فرودگاه‌ها و ساختمان‌های شهرهای سواستوپل و سیمفروپل را به تصرف خود درآوردند. اولکساندر تورچینوف، رئیس جمهور موقت اوکراین، صدارت آکسینوف را بی اعتبار و غیرقانونی خوانده و حضور نیروهای روسی را تجاوز مستقیم به خاک اوکراین اعلام کرد.

اما وزیر خارجه روسیه اعلام کرده که تحرک‌های نظامی نیروی دریایی روسیه در دریای سیاه به شکل کامل مطابق با توافقنامه‌های اصولی میان مسکو و کی‌یف است (Norbergand Westerlund, ۲۰۱۴). مسئله آشکار، آمادگی قبلی نیروی‌های روسی برای مدیریت بحران اوکراین بود که از قبل تمرین منظمی در این مورد انجام داده بودند. در طول این عملیات حدود دو هزار تفنگدار دریایی در اطراف و‌های داخل بندر سواستوپل مستقر شده بودند. حدود هفت هزار نیروی ویژه در اول ماه مارس در کریمه مستقر شدند که بیشتر از راه خطوط هوایی انتقال یافتند (۶۶: Anton, ۲۰۱۴). در ۶ مارس ۲۰۱۴ نمایندگان پارلمان شبه جزیره کریمه به اتفاق ارا به پیوستن به روسیه رای دادند.

پنج روز بعد اعلامیه استقلال کریمه و سواستوپل منتشر شد و در ۱۶ مارس یک همه پرسی

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

از مردم کریمه برای پیوستن به روسیه برگزار شد که سرانجام ۹۳ درصد شرکت کنندگان در همه پرسی به جدایی این شبه جزیره از اوکراین و پیوستن آن به روسیه رأی مثبت دادند. به دنبال آن پارلمان کریمه نیز رأی به استقلال و جدایی از کشور اوکراین را صادر کرد. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در ۱۸ مارس به شکل رسمی سند پیوستن کریمه به روسیه را امضا کرد و کریمه را جزء جدایی ناپذیر روسیه خواند. نکته درخور توجه در مورد کریمه اینکه، پیوستن این شبه جزیره باید رویداد بسیار مهمی از نظر تاریخی دانسته شود. برای نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی یکی از قدرت‌های بزرگ اروپایی با هدف مدیریت بحران، توانسته است که بخشی از کشوری را در قاره اروپا با وجود مخالفت شدید حاکمان آن سرزمین به خاک خود اضافه کند و با هیچ واکنش ملموسی از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، آمریکا و قدرت‌های غربی روبه رو نشود (دهشیار، ۱۳۹۳: ۸۵).

### د) حمایت و تحریک اقلیت‌های روس زبان

چهارمین شیوه مدیریت بحران، حمایت و تحریک اقلیت‌های روس زبان در کنار حمایت مالی تسلیحاتی آن‌ها بوده است. در بخش شرقی اوکراین اقلیت‌های روس زبان ساکن هستند که با روسیه پیوندهای گسترده‌ای دارند و همچنین با تحریک روسیه خواستار خودمختاری هستند. روسیه بعد از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ همواره از این مسئله به عنوان اهرمی استفاده کرده است. بنابراین روسیه حمایت از مخالفان و «کارت بازی» تأثیرگذار یا به بیانی جدایی‌طلبان را یکی از فنون مهم در مدیریت بحران می‌داند و به خوبی از آن بهره‌برداری می‌کند. روس‌ها برای مدیریت بحران تأکید زیادی بر اهرم حمایت، تحریک و تهییج روس‌گرایان ساکن شرق اوکراین داشته‌اند که موفق بوده است. چنانکه برخی از نیروهای مردمی و شبه نظامیان ساکن در شرق اوکراین که ساختمان‌های دولتی در دونتسک را تصرف کرده بودند، در پیام‌هایی ویدئویی از ولادیمیر پوتین می‌خواستند تا تلاش کند نیروهای حافظ صلح به این منطقه فرستاده شوند.

همچنین در ۲۲ مارس ۲۰۱۴، مخالفان دولت پرورشکو، رئیس جمهور جدید اوکراین، در تظاهراتی در دونتسک خواستار آن شدند که تا ۱۱ مه، همه پرسی با هدف جدایی از کشور اوکراین برگزار شود (Grider, ۲۰۱۴: ۲-۳). طرفداران مسکو در شهر لوهانسک که پرچم‌های روسیه را در دست داشتند، پس از تصرف اماکن دولتی با سردادن شعارهایی خواهان برگزاری همه پرسی و پیوستن این ناحیه به روسیه شدند. در شهر خارکف و اودسا، به عنوان شهرهای

\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ۵  
مهم شرقی اوکراین نیز تظاهراتی برای شایان توجه اینکه جدایی از اوکراین و پیوستن به روسیه  
برگزار شد (Grider, ۲۰۱۴:۱).

### د) گفتگوهای سیاسی - دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه

پنجمین رویکرد دولت روسیه انجام گفتگوهای سیاسی دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه برای مدیریت بحران بوده است. اتکای صرف بر یک مؤلفه تأکید بر ابزارهای سخت یا نرم برای مدیریت بحران‌های بین‌المللی نتایج‌چندان مناسبی را برای کشور مدیریت‌کننده به دست نمی‌دهد. ضمن اینکه این نوع مدیریت بحران به شکل معمول هزینه‌های سختی را در پی دارد و چنانچه همراه با نتیجه نیز باشد، نتایج به دست آمده پایدار نخواهند بود. البته در این میان مسئله‌ای وجود دارد و آن اینکه کشوری که می‌خواهد بحران را مدیریت کند، در تصمیم‌های خود بر یک مؤلفه تأکید می‌کند و تلاش می‌کند تا برای رسیدن به آن از سایر فنون نیز به فراخور شرایط بهره بگیرد. همانگونه که پیشتر بیان شد، روسیه برای مدیریت بحران اوکراین بر مؤلفه‌های سخت قدرت تأکید داشت. با این حال از مجراهای مسالمت‌آمیز و نرم افزاری دیپلماسی غفلت نکرد و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه را در دستور کار قرار داده است. از مهمترین تلاش‌های دیپلماتیک روسیه برای مدیریت بحران اوکراین می‌توان به گفتگوهای ژنو و مینسک ۱ اشاره کرد که هر یک در دو نوبت برگزار کرده است.

### گفتگوهای مینسک یک و دو

کشورهای روسیه، اوکراین، آلمان و فرانسه گروهی را با هدف گفتگوها پیرامون بحران اوکراین در شهر «گروه تماس ۱» موسوم به مینسک پایتخت روسیه تشکیل دادند. این گفتگوها که به مینسک یک و دو معروف است بنا بر جدول زمانی با شرکت آنجلا مرکل، فرانسوا اولاند، پترو پروشنکو و ولادیمیر پوتین برگزار شد. پروشنکو، روسیه را به فرستادن نیرو به اوکراین متهم کرد و خبر داد که تا به حال تعدادی از سربازان روسیه در کارزار روسیه کشته برشمرده و چوتین نیز این شایعات را یک «کمدی سیاسی» بر شمرده و تأکید کرد که روسیه طرف جنگی نیست. بلکه کنشگران دیگر منظور کشورهای غربی را باید به عنوان طرف‌ها و بانیان اصلی جنگ دانست. بنا به عقیده پوتین: "روسیه هیچ وقت با یک ارتش ضعیف درگیر نخواهد شد" (Gregory, ۲۰۱۵: ۱).

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهارم و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —  
توافق‌هایی از جمله برقراری آتش بس فوری در مناطق حساس همچون دونتسک و لوهانسک، عفو و آزادی تمامی زندانیان مرتبط با بحران جاری، تلاش برای خروج شبه نظامیان خارجی و خلع سلاح کردن گروه‌های غیرقانونی، ایجاد یک منطقه حائل غیرنظامی عاری از تسلیحات سنگین و توپخانه ارتش و استقلال طلبان، توزیع کمک‌های بشردوستانه در مناطق بحران‌زده و مردمی که نیازمند این کمک‌ها هستند، بنابر یک سازوکار بین‌المللی منظم از جمله مهمترین مفاد این دو نشست هستند (Weaver and Luhn, ۲۰۱۵).

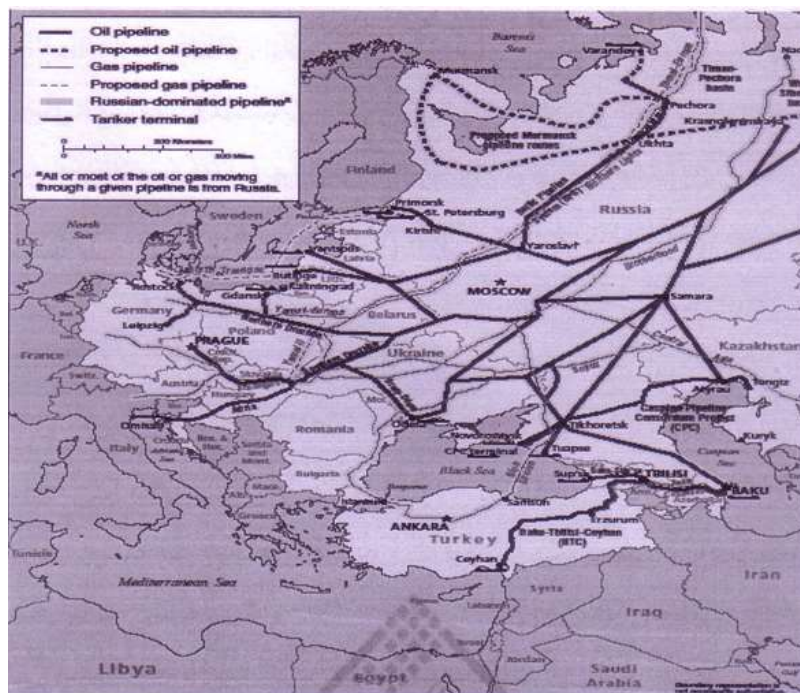
### ه) بهره‌گیری از بهانه انرژی برای به کارگیری فشار بر کشورهای اروپایی

رویکرد دیگر روسیه در مدیریت بحران اوکراین، استفاده از بهانه انرژی برای فشار بر کشورهای اروپایی و دولت اوکراین بوده است. خوداتکایی و بی‌نیازی نسبی یا به بیان بهتر وابستگی نداشتن به منابع انرژی نفت و گاز، کمک‌های خارجی و واردات محصولات راهبردی، برتری مهمی برای کشورها در روابط بین‌الملل است تا بتوانند به صورت مستقل سیاست‌های خود را در این عرصه به کار گیرند و دنبال کنند. کشورهای اروپایی و اوکراین به واردات نفت و گاز از روسیه به عنوان ابرقدرت در حوزه انرژی وابستگی زیادی دارند. آشکار است که این مهم از سوی سلاح سیاسی نیرومند و مناسبی در جریان رقابت‌های بین‌المللی و ابزاری برای روسیه با هدف چانه زنی از موضع برتر برای کنترل اوضاع بحرانی کی‌یف محسوب می‌شود و از سوی دیگر می‌تواند مانعی در مسیر تحرک زیاد کشورهای اروپایی علیه منافع روسیه و پیش‌راندن آن‌ها در جهت سیاست‌های مطلوب کرملین باشد. مسکو با آگاهی از اهمیت عنصر انرژی، در تحولات اوکراین از آن به عنوان مؤلفه تقویت و تکمیل‌کننده سایر اهرم‌ها بهره‌برداری کرده است. روسیه حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد نفت و ۷۵ تا ۸۰ درصد گاز وارداتی اوکراین را تامین می‌کند (Bertalan, ۲۰۱۴: ۱۲). با توجه به این مطلب که در حال حاضر انرژی، وجه غالب در اقتصاد سیاسی روسیه است؛ زیرا نزدیک به ۵۰ درصد بودجه فدراسیون روسیه، بیش از ۶۰ درصد صادرات و حدود ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور از طریق عایدات نفتی، حاصل می‌شود (Truseott, ۲۰۰۹: ۲۲). همچنین با عطف توجه به این مطلب که در حال حاضر ماهیت نظام سیاسی روسیه، مبتنی بر اقتدارگرایی و تمرکز قدرت است؛ دولتمردان جدید روسیه با در پیشگیری سیاستی واقع‌گرایانه و در چارچوب چنین رویکردی به اقتصاد سیاسی بین‌الملل، با تدوین «استراتژی انرژی روسیه برای ۲۰۲۰» و در راهبرد بلندمدت خود، همواره به دنبال آن

\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ۵  
بوده‌اند که به عنوان یک ابرقدرت انرژی و امپراتوری نفتی و بازیگری که با ارتقای جایگاه خود، قادر به ایفای نقشی ژئوپلیتیکی و کلیدی در عرضه انرژی است؛ از منابع انرژی روسیه که حدود ۶ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان (حدود ۶۰ تا ۷۰ میلیارد بشکه ذخیره شناخته شده نفت) (EIA, ۲۰۱۰ & BP, ۲۰۰۷: ۶) و ۳۰ است. و انحصار ۲۲ درصد تولید جهانی گاز (BP, ۲۰۱۰ & EIA, ۲۰۰۷: ۲۲) و نیز با تولید روزانه ۸ میلیون بشکه نفت و کسب جایگاه دوم در میان تولیدکنندگان بزرگ نفت و دومین صادرکننده بزرگ این کالای استراتژیک در جهان، برتری خود را تثبیت نموده؛ و از نظر حجم ذخایر نفتی، جایگاه دهم را در این مورد به خود اختصاص دهند (Umbach, ۲۰۰۹: ۱-۲)؛ همچنین با انحصار خطوط لوله انتقال انرژی به عنوان ابزاری سیاسی و اقتصادی در جهت تقویت زیرساخت‌های اقتصادی روسیه، تأمین منافع ژئوپلیتیکی و تحقق اهداف جهانی و منطقه‌ای این کشور بهره‌برداری کنند (Ministry of Energy, ۲۰۰۸ & Finon & Locatelli, ۲۰۰۳: ۴۲۴).

روسیه از جمله کُنشگرانی است که نقش و اهمیت انرژی را در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، به خوبی دریافته است. این کشور به عنوان بزرگترین تولیدکننده گاز و دومین تولیدکننده نفت در جهان، با درک الزامات ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل پس از جنگ سرد و با درک این مطلب که اقتصادهای بزرگ صنعتی جهان و از جمله آمریکای شمالی، اتحادیه اروپا، چین و ژاپن، بسیار به منابع انرژی روسیه و دریای خزر وابسته هستند، با چرخش تدریجی از ایدئولوژی به ژئواکونومیک، ضمن آنکه تلاش کرده تا با بهره‌گیری از «وجه غالب» در اقتصاد سیاسی این کشور که همان ذخایر بسیار سرشار انرژی هیدروکربنی و نیز سلطه بر شاهراه‌های خطوط انتقال انرژی است، نقش یک امپراتور نفتی را که قادر است نفت و گاز را به میزان بسیار زیادی در جهان عرضه کند، ایفا نماید؛ کوشش می‌کند تا از انرژی به عنوان قدرت نرم، به جای به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای و قدرت سخت نظامی، برای افزایش ثروت ملی و نیز پیشبرد اهداف سیاسی خارجی این کشور به ویژه در مواضع خود در برابر اتحادیه اروپا، بهره‌گیری مطلوب به عمل آورد (Correlege & Van der Linde, ۲۰۰۶: ۵۳۳). رفتار سیاسی و دیپلماسی انرژی روسیه در آغازین روزهای ژانویه سال ۲۰۰۶ در برخورد با اکراین و نیز مولداوی و قطع جریان گاز از سوی شرکت گازپروم به این کشورها و سپس کاهش ۳۰ درصدی صدور گاز به فرانسه و ایتالیا (Spanjer, ۲۰۰۷: ۲۸۸۹ & Sterm, ۲۰۰۶) و به کارگیری انرژی به عنوان سلاحی که می‌تواند به گسترش جبهه نبرد اقتصادی علیه اروپا، منجر

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —  
 شود، این انگاره را در محافل سیاسی اروپایی تقویت کرده که این کشور با انجام چنین اقداماتی،  
 جنگ سرد جدیدی را در مناسبات خود با اتحادیه اروپا آغاز نموده است (Lucas, ۲۰۰۸: ۱۳۶-۱۶۹).  
 (Goldman, ۲۰۰۸: ۱۳۶-۱۶۹).



نقشه ۱. هژمونی روسیه بر خطوط لوله انتقال انرژی (نفت و گاز) اروپا

(Source: EIA, ۲۰۱۰).

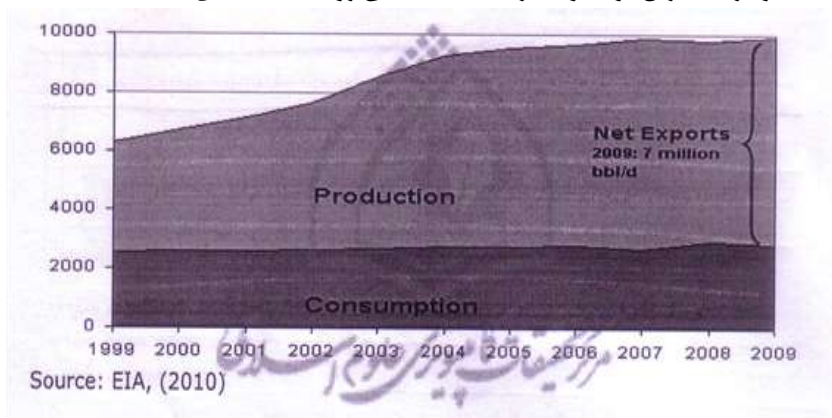
در این راستا، دولتمردان روسیه و از جمله ولادیمیر پوتین، ضمن دوری از فضای ادبیات  
 گفتمان حاکم بر دوران جنگ سرد، تعریفی جدید از منافع ملی این کشور ارائه کرده و در راستای  
 حفظ منافع ملی و تأمین امنیت ملی روسیه، در برقراری رابطه با اتحادیه اروپا و ایالات متحده  
 آمریکا وارد همگرایی در زمینه‌های مورد توافق، با حفظ واگرایی در نقاط مورد اختلاف شدند.  
 برای رسیدن به این هدف، دولتمردان این کشور با کاستن از تعهدات و هزینه‌های نظامی این  
 کشور از قبیل برچیدن پایگاه‌های موشکی روسیه در ویتنام و کوبا، موافقت ضمنی با نیروهای  
 ائتلاف در حمله به عراق و سرنگونی صدام حسین در واپسین فرجام، همکاری با کمپانی‌های  
 بزرگ نفتی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تلاش برای عضویت در سازمان تجارت جهانی،



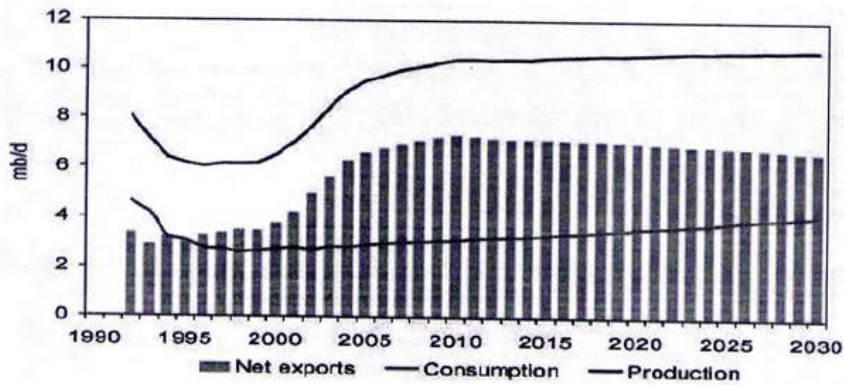
\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ۵

ضمن کنترل منابع انرژی روسیه و سازمان‌دهی و حمایت از صنایع و کمپانی‌های بزرگ نفت و گاز این کشور از جمله لوک اوایل، یوکوس، تیمن، سیب نفت، سورگوت نفت گاز، نواتک، روز نفت و گازپروم، هم در بخش بالادستی و هم در بخش پایین‌دستی قوانین محدودکننده‌ای را برای سرمایه‌گذاران و کمپانی‌های نفتی خارجی و از جمله در اختیار گرفتن ۵۱ درصد سهام این شرکت‌ها به تصویب رسانیده (۲۹: ۲۰۰۹، Truscott & ۱۰۸۵-۱۰۷۵: ۲۰۰۶، Locatelli); تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری از دیپلماسی قدرت در این بازی قدرت، به عنوان پیشتاز در میان تولیدکنندگان نفت، تولیدات نفتی این کشور را به بیش از ۸ میلیون بشکه در روز افزایش داده (نمودار ۲ و ۳) و با افزایش صادرات نفتی و بهره‌گیری از ابزار انرژی به تحکیم سلطه خود در مرزهای خارج نزدیک و نیز در روابط با کشورهای عضو اتحادیه اروپا بپردازند (نمودار ۴ و ۵) (Dorian (et al), ۲۰۰۶: ۱۹۸۵ & Finon & Locatelli: ۴۲۵).

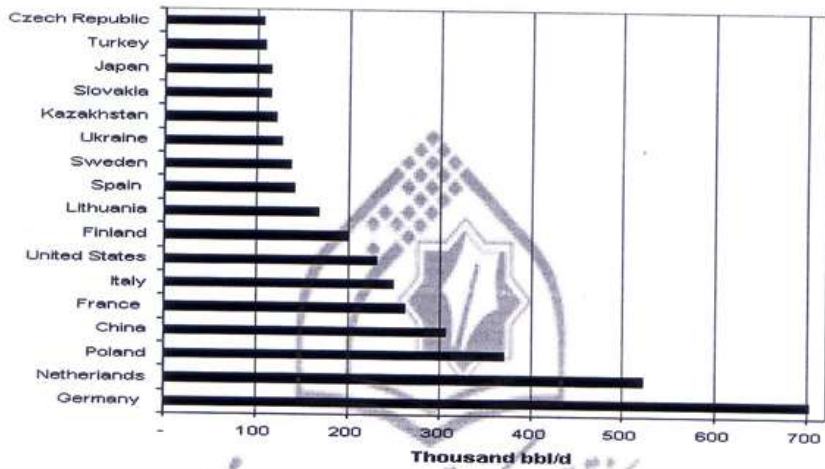
نمودار ۲: میزان تولید و مصرف میعانات نفتی روسیه (سال‌های ۲۰۰۹، ۱۹۹۹).



نمودار ۳. چشم انداز تولید، مصرف و صادرات نفت روسیه در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۳۰

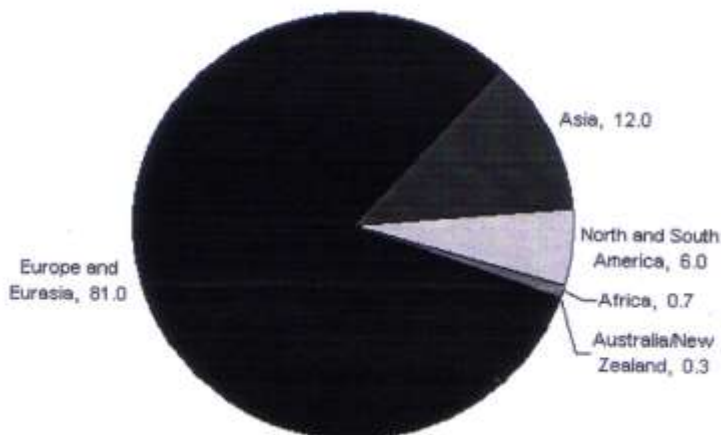


نمودار ۴. میزان واردات میعانات نفتی کشورهای اروپایی از روسیه (۲۰۰۹)



قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ◊

نمودار ۵. سهم صادرات نفتی روسیه به مناطق مختلف جهان (سال ۲۰۰۹)



در تحولات جاری نیز هم‌زمان با سقوط دولت روس گرای یانوکوویچ، مسکو فشار اقتصادی شدیدی به اوکراین وارد کرد و بهای فروش گاز طبیعی خود به این کشور را به شکل قابل توجهی افزایش داد. دمتری مدودیف، نخست‌وزیر روسیه اعلام کرد که این کشور تخفیفی را که اخیراً به دولت اوکراین در مورد صادرات گاز داده بود، لغو کرده است. مدودیف همچنین در ۶ دسامبر ۲۰۱۴ تأکید کرد که دولت موقت اوکراین باید ضمن پرداخت بدهی‌های خود در مورد صادرات گاز، از این پس گاز مورد نیاز خود را با قیمت جهانی از روسیه بخرد و دیگر تخفیف‌های ویژه شامل حال آن‌ها نمی‌شود. در واقع این اقدام روسیه، واکنشی به سیاست‌های دولت موقت اوکراین و همراهی آن با کشورهای غربی به ویژه اتحادیه اروپا بود (Lazarenko, ۲۰۱۵). شایان توجه اینکه مسکو از راه کنترل بر انرژی و صدور گاز اهرم مناسبی برای زیر فشار قراردادن اوکراین و اروپا برای به کارگرفتن فشار برای تنظیم رفتار طرف مقابل در اختیار دارد تا جایی که "توماس فریدمن" گفته است، اکنون تأثیر لوله‌های گاز روسیه بر اروپا بسیار بیشتر از موشک‌های فوق پیشرفته این کشور است (Kempe, ۲۰۰۶: ۵۱). در قرن جاری، روسیه بارها از راه قطع صدور گاز به تنبیه اوکراین و کشورهای تنبیه اوکراین و کشورهای اروپایی و مشتریان دیگر خود پرداخته است (مصلی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

## م) مدیریت رسانه‌های بحران

آخرین ابزار شناسایی شده در رفتار روسیه برای مدیریت بحران اوکراین، مدیریت رسانه‌ای بحران است. در دنیای کنونی کمتر کسی در ارتباط استوار و تنگاتنگ رسانه‌ها با امنیت ملی و مدیریت بحران یا بحران‌سازی تردید می‌کند. بنابراین رسانه‌ها هم می‌توانند منبع و منشأ بسیاری از بحران‌ها در سطوح مختلف باشند و هم ابزاری برای محدود کردن، تدبیر و مدیریت بحران‌ها (سام بند و قره باغ، ۱۳۸۷: ۵۱). ویژگی بارز فضای بحران، فروپاشی نظام مسلط و ظهور دیدگاه‌های رقیب (اعم از مخالف یا معارض) است که با ارائه الگوی نوینی از نظم به دنبال حاکم‌سازی خود هستند. در چنین فضایی شاید هیچ عنصری را نتوان سراغ گرفت که به اندازه "اعتماد" تاثیرگذار باشد.

هر چه میزان اعتماد مردم به یک رسانه قوی‌تر باشد، رسانه در مهار بحران (از طریق کار ویژه‌هایی چون اطلاع‌رسانی، دعوت به مقاومت، تحلیل شرایط و ...) توفیق بیشتری خواهند داشت. برای این منظور لازم است رسانه‌ها شرایط زیر را در خود محقق سازند:

۱. توان ارائه اطلاعات دقیق درباره موضوعات مربوط به بحران را افزایش دهند.
۲. توان ارائه اطلاعات به روز درباره موضوعات مربوط به بحران را افزایش دهند.
۳. توان ارائه تحلیل‌های مناسب از شرایط را ارتقا دهند (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۸).

روسیه در طول بحران اوکراین، تمامی ظرفیت‌های خود در بخش‌های مختلف از جمله رادیو، تلویزیون، خبرگزاری‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای و پایگاه‌های اینترنتی را به کار گرفت تا مواضع اعلامی و اقدامات خود در این راستا را موجه و مشروع جلوه دهد. بر این اساس رسانه‌ها دو کار ویژه که همه در راستای مدیریت بحران روسیه هستند، داشته‌اند. از یک سو به حمایت از اقدامات روسیه و مخالفان شرق اوکراین پرداختند و از سوی دیگر در محکومیت و برجسته‌سازی نقص‌های دولت جدید و به راه انداختن جنگ روانی علیه آن تلاش کردند. رسانه‌های روسی به خوبی از روش برجسته‌سازی، شایعه پراکنی، نشر یک سویه اقدامات و عملیات‌های آمیخته به خشونت نیروهای تحت دستور پروشکو در فرآیند مدیریت بحران استفاده کردند. برای نمونه خبرگزاری «تاس» روسیه بلندگویی برای سیاست‌های مسکو انجام وظیفه می‌کند - از زمان شروع تحولات اوکراین تا به امروز، بخش زیادی از اخبار منتشرشده خود را در قالب مقاله‌های کوتاه و بلند، کلیپ‌های صوتی تصویری و عکس‌های مربوط به فجایع اوکراین به نشان دادن چهره خشن ارتش اوکراین و در مقابل مظلوم نمایاندن مخالفان شرقی، اختصاص داده است.

\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ♦  
بررسی محتوای اخبار منتشرشده به وسیله این خبرگزاری به خوبی نشان‌دهنده فعالیت تبلیغاتی در طول بحران است.

در ادامه به تعدادی از مهمترین مواردی که از شروع بحران تا به امروز انتشار یافته است، اشاره می‌شود. هم زمان و بعد از نشست‌های مینسک، این خبرگزاری تبلیغات گسترده‌ای برای نشان دادن چهره مطلوب و مسالمت‌آمیز از روسیه و تحرک‌های دیپلماتیک این کشور انجام داد. از این جهت تلاش می‌کرد تا ضمن نادرست جلوه دادن دیدگاه غربی‌ها در قبال روسیه، نشان دهد که کرملین تمام تلاش خود را برای مدیریت بحران از راه کانال‌های دیپلماتیک و چندجانبه به کار بسته است. از سوی دیگر این خبرگزاری آمریکا و متحدان اروپایی‌اش را مسبب اصلی گسترش بحران در اوکراین نشان می‌داد. نوع دیگر تبلیغات این خبرگزاری نشان دادن توان نظامی دفاعی روسیه برای اعلام هشدار به رقیبانی چون ایالات متحده، ناتو و اتحادیه اروپا بود. بعد از اشغال شبه جزیره کریمه، این خبرگزاری در خبری اعلام کرد، اکنون روسیه تمام هدف‌های ناتو در دریای سیاه و نقاط همجوار را زیر نظر دارد و سیاست‌های تحریک‌کننده ناتو دیگر قابل پذیرش نخواهد بود، اجازه انجام هیچ عملیات و تحرکات خودسرانه و یک‌جانبه‌ای مانند انقلاب‌های رنگی بر ضد روسیه و متحدانش داده نخواهد شد. همچنین بر این نکته تأکید کرد که روسیه توان نظامی خود را در شبه جزیره از راه استقرار سیستم‌های دفاع هوایی پی‌یو ام ۳۰۰ و سیستم ضد هوایی پانتسیر-اس ۱ ارتقاء خواهد داد (Pavlishak, ۲۰۱۵).

مورد بعدی به تلاش‌های خبرگزاری اسپوتنیک مربوط می‌شود. این خبرگزاری نیز از ابتدای بحران اوکراین، هم‌راستا با سیاست‌های کرملین، کشورهای غربی را بانی اصلی ناآرامی‌های اوکراین معرفی می‌کرد که از راه انجام کودتایی در کی‌یف حکومت ویکتور یانوکوویچ را برانداختند. این خبرگزاری به صورت شبانه‌روزی ناآرامی‌های به وجود آمده در به‌عنوان یکی دیگر «روسیه امروز» اوکراین را زیر نظر داشت. همچنین اشاره به شبکه خبری از اهرم‌های روسیه در جنگ تبلیغاتی در موضوع اوکراین ضروری است. شبکه خبری آر‌تی به‌عنوان یکی دیگر از بازوهای تبلیغاتی روسیه در بحران اوکراین نقش فراوانی بازی کرد. فعالیت‌های اصلی این شبکه خبری در مورد فاش کردن و برجسته کردن نقش ناتو، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و متحدان منطقه‌ای آن‌ها، انواع کمک‌های مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی ارائه شده به ارتش اوکراین و سرانجام به تصویر کشیدن جنایت‌های صورت گرفته در مناطق شرقی و القای آن به مخاطبان بود.

بررسی سیاست‌های امنیتی کشورهای مختلف، به ویژه قدرت‌های بزرگ حاکی از وجود خطوط قرمزی پیرامون امنیت و منافع آن‌هاست. روسیه نیز از این قاعده جدا نیست و خارج نزدیک را به عنوان حریم امن و حیات خلوت خود تعریف کرده است. از این نظر هرگونه تحرک ناامن کننده را به مثابه خدشه به امنیت وجودی فدراسیون روسیه تلقی می‌کند. بحران اوکراین و سپس مدیریت این بحران از سوی روسیه نیز در این زمینه قابل ارزیابی است. کشور اوکراین گلوگاه گستره بزرگ روسیه به حساب می‌آید که هرگونه خدشه به این قلمرو برای مسکو پس لرزه‌های بنیان برافکنی در پی خواهد داشت و اثرهای مخرب آن بر مقامات روسیه و دیگر کارشناسان منطقه آشکار است. با این وجود، کم توجهی کردن در مورد تحرک‌های ضدروسی در اوکراین به زیان‌های شدیدی برای کرملین منجر خواهد شد. همین مهم سبب شده است که روس‌ها در طول بحران اوکراین خیلی سریع از خود واکنش نشان دهند و مجموعه اقدام‌هایی را برای مدیریت اوضاع در پیش بگیرد. شایان توجه اینکه، رهیافت روسی مدیریت بحران، نشان داده که معمولاً نوع مدیریت و فنون انجام آن در بحران‌های به وجود آمده در این مناطق، سخت‌افزاری و از راه زور و قدرت نظامی است. روسیه پس از شروع بحران، در گام اول، به برگزاری مانور و آماده کردن نیروهای ویژه خود اقدام کرد و بعد از فراهم شدن فرصت لازم، با مداخله نظامی قسمتی از خاک اوکراین را به بهانه حمایت از اتباع روس تبار جدا کرد. روسیه این کار را با چنان مهارتی انجام داد که باوجود نقص اصول اولیه حقوق بین‌الملل با اعتراض جدی سایر دولت‌ها و بازیگران مؤثر در بحران اوکراین روبه‌رو نشد. روس‌ها سپس برای توسعه منافع خود و مدیریت بحران به حمایت از اقلیت‌های روس‌گرا در شرق اوکراین که در شرق اوکراین اکثریت برآورد می‌شوند دست زدند و انواع حمایت‌ها از کمک‌های غذایی، دارویی، مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و نظامی گرفته تا فرستادن نیروهای موسوم به ارتش پنهان برای مبارزه با نظامیان اوکراینی را به آنان ارائه داد. با این حال، توجه به ابعاد سخت مدیریت بحران، فدراسیون روسیه را از به کارگرفتن راهکار نرم مدیریت بحران باز نداشت. در همین زمینه روسیه از اهرم انرژی برای تنظیم رفتار بازیگران مخالف خود بهره جست. همچنین روسیه در نشست‌های دیپلماتیک برای حل بحران و کاستن از شدت درگیری‌ها در ژنو و مینسک، رویکرد جدیدی به مسائل اوکراین در پیش گرفت که به مدیریت این بحران کمک شایانی کرد. سرانجام نیز تبلیغات رسانه‌ای به کمک سایر رویکردهای به کار گرفته شده آمدند و فضای رسانه‌ای تا حدود

\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ◊

زیادی در جهت تکمیل رویکردهای مدیریت بحران اوکراین سازماندهی شد. با وجود این، در پایان باید توجه داشت که بحران‌هایی که با درون مایه‌های اختلاف‌های نژادی قومیتی درهم تنیدگی درخور تأملی دارند هنگام پدیدارگشتن برای مدت‌های طولانی به عمر خود ادامه می‌دهند و به خاتمه چنین بحران‌هایی در کوتاه مدت چندان امیدی نیست. نکته دیگر اینکه، هیچ مسئله قطعی در مورد آینده وجود ندارد؛ منتهی این مسئله به معنای این نیست که انسان در مقابل این عدم قطعیت‌ها منفعل عمل کند. به این صورت که اندیشمندان و تحلیلگران با تحلیل روند و بررسی پیشران‌های مؤثر در پدیده‌های در حال جریان بین‌المللی می‌توانند در مورد آینده نیز اظهارنظر کنند و از میزان ابهام در این عرصه به میزان قابل توجهی بکاهند. بنابراین در مورد بحران اوکراین و الگوی سخت مدیریت این بحران به وسیله روسیه باید بیان داشت که روس‌ها این بحران را با هرگونه هزینه‌ای مدیریت خواهند کرد و در صورت نیاز، از به راه انداختن جنگی سخت نیز هراسی نخواهند داشت. منطق چنین مسئله‌ای نیز مشخص است که در صورت خروج اوکراین از دامنه نفوذ روسیه، اعتبار روسیه از میان خواهد رفت و روس‌ها چنین مسئله‌ای را نمی‌پذیرند.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

## منابع

### الف: منابع فارسی

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، «مدیریت رسانه‌ای بحران»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۵۵.
- برچر، مایکل؛ ویلکنفلد، جاناتان و دیگران (۱۳۸۲)، **بحران، تعارض و بی‌ثباتی**، ترجمه علی صبحدل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیلیس، جان و دیگران (۱۳۸۳)، **جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین**، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- جمشیدی، محمد (۱۳۸۶)، «نظام‌های بین‌المللی تک قدرت محور: تک قطبی، هژمونی، امپراتوری»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال دهم، شماره چهارم.
- چگینی‌زاده، غلامعلی (۱۳۹۲)، «موازنه قوا و روابط راهبردی چین با ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال پنجم، شماره ۴.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۳) (الف)، «سیاست خارجی روسیه در قبال اوکراین: گریز ناپذیری بحران»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال ۶، شماره ۱.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۳) (ب)، «گسل‌های داخلی، تنیدگی‌های تاریخی، منطق ژئوپلیتیک قدرت و رویارویی برای شبه جزیره کریمه»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال ۳، شماره ۹.
- سام‌بند، میثم و سید محمد قره باغ (۱۳۸۷)، «مدیریت رسانه‌ای کلیدی‌ترین ابزار برای مدیریت بحران»، پژوهشنامه مدیریت بحران رسانه، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، دوره ۹، شماره ۳۳.
- صلواتیان، سیاوش و طاهر روشندل اربطانی (۱۳۹۰)، «مدیریت بحران رسانه؛ رویکردی پیشگیرانه»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال ۱۸، شماره ۲.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، **نظریه‌های امنیت**، تهران: ابرار معاصر.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۲)، «موازنه راهبردی و سیاست‌گذاری امنیتی روسیه در نظام بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۶، شماره ۲.
- معمارزاده، غلامرضا و سرافرازی، مهرزاد (۱۳۸۹)، «بررسی گام‌های فرآیند مدیریت بحران در سازمان»، **پژوهشنامه مدیریت بحران**، شماره ۵۱، ۷۶-۹۹.
- مک‌کارتی، شاون پی (۱۳۸۱)، **نقش اطلاعات در مدیریت بحران**، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان.



\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ◊  
 - میلر، بنجامین (۱۳۷۶)، «الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ در بحران‌های بین‌المللی»، ترجمه قدرت  
 احمدیان، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره ۶، شماره ۲۱-۲۰.  
 - واعظی، محمود (۱۳۸۹)، «نظام نوین بین‌الملل و مدیریت بحران‌های بین‌المللی»، فصلنامه راهبرد،  
 سال ۱۹، شماره ۵۶.

### ب: منابع لاتین

- Anton, L. (۲۰۱۴), *The Emergence of Russian Foreign Policy*, Washington D.C , United State Institute of Peace Press.
- BP). ۲۰۰۷. *Statistical Review of World Energy*, London: Jaune. Available at: [www.bp.com](http://www.bp.com).
- Bertalan, Péter (۲۰۱۴), “The Russian-Ukrainian Crisis and behind, Energy Policy, in the Mirror of Eurasian Geopolitics”, *The Central European Journal of Regional Development and Tourism*, Vol. ۶, pp. ۱-۱۵.
- Cecire, Michael (۲۰۱۴), “The Russian Invasion of Ukraiqne”, *Foreign Policy Research institute*, Available at: [http:// www.fpri.org/docs/cecir\\_e\\_crimea.pdf](http://www.fpri.org/docs/cecir_e_crimea.pdf) (Accessed on: ۵/۱۱/۲۰۱۵).
- Correlje, Aad, Van der linde, Coby. ۲۰۰۶. "Energy Supply Security and Geopolitics: A European Perspective", *Energy Policy*, Vol. ۳۴.
- Deng, Yong (۲۰۰۶), “Reputation and the Security Dilemma: China Reacts to the China Threat Theory”, in: Alastair Iain Johnston and Robert Ross (eds.), *Ne Approaches to the Study of China’s Foreign Policy*, Stanford, Ca: Stanford, University Press.
- Dorian, James P. ۲۰۰۶. "Central Asia: A Major Emerging Energy Player in the ۲۱st century", *Energy Policy*, Vol. ۳۴.
- Gregory, Paul Roderick (۲۰۱۵), “Europe and US Finally Declare that Russian Soldiers are Fighting in Ukraine”, *World Affairs*, Available at: <https://www.forbes.com/forbes/welcome>, (Accessed on: ۱۵/۱۰/۲۰۱۵).- .
- Grider, Geoffrey (۲۰۱۴), “Cracks now Appearing in Eastern Ukraine as Secession Talk Intensifies”, *The Magazine of Record for the Last Days*, Vol. ۲, No. ۱۲, pp. ۱۲-۲۳.
- Kempe, Frederick (۲۰۰۶), “Thinking Global: Russia is Power Play has High Stakes: The West is Urged to Counter Moscow is Bold Energy Plan, Our Core Values are at Risk”, *Wall Street Journal*, Vol. ۵, No. ۶, pp. ۴۵-۵۸. .
- Lazarenko, Nikolay (۲۰۱۵), “Issue of US Non-Lethal Weapons Supplies to

- فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸
- Kiev Settled”, Ukrainian Lawmaker, Available at: <http://Tass.Ru/En/World/۷۸۰۸۷۱>, Accessed on: ۱۴/۱۰/۲۰۱۵.
- Locatelli, C. ۲۰۰۶. "The Russian Oil Industry Between Public and Private Gowernance: Obstacles to International Oil Companies Investment Strategies", Energy Policy, Vol. ۳۴, Issue ۹.
- Lucas, Edward. ۲۰۰۸. The New Cold War: How the Kremlin Menaces Both Russia and the West, London: Bloomsbury.
- Ministry of Energy. ۲۰۰۳. "Energy Strategy of Russia for up to ۲۰۲۰", Available at: <<http://www.mte.gov.ru/files/۱۰۲/۱۳۵۴.strategy.pdf>.
- Norberg, Johan and Fredrik Westerlund (۲۰۱۴), "Russia and Ukraine: Military, Strategic Options, and Possible Risks for Moscow", Rufs Briefing, No. ۲۲, pp: ۲۳۹-۲۲۰.
- Pavlishak, Alexey (۲۰۱۵), "Crimea's Increased Defense Capability may Deter, NATO Presence in the Black Sea Region", Tass, Available at <http://Tass.Ru/En/Opinions/۷۸۰۶۰۲>, (Accessed on: ۲۳/۹/۲۰۱۵).
- Pearson, C. M., & Clair, J. A. (۱۹۹۸). Reframing crisis management. Academy of management review, ۲۳(۱), ۵۹-۷۶.
- Roberts, J. (۱۹۸۸). "Decision making during international crisis", London: Mac Millan, press LTD.
- Schelling, Thomas C. ۱۹۶۶. Arms and Influence, New Haven and London: Yale, University Press.
- Spanjer, Aldo. ۲۰۰۷. "Russian Gas Price Reform and the EU-Russia Gas Relationship: Incentives, Consequences and European Security of Supply", Energy Policy, Vol. ۳۵.
- Stern, J. P. ۲۰۰۶. "The Russian- Ukrainian Gas Crisis of January ۲۰۰۶", Oxford Institute for Energy Studies Comment ۰/۱۰۶, Jaunary.
- Truscot, Peter. ۲۰۰۹. European Energy Security, Royal united Institute for Defence and Security Studies, London: Routledge.۲۴) Weaver, Matthew and Alec Luhn (۲۰۱۵), "Ukraine Ceasefire Agreed at Belarus Talks", The Guardian, Available at: <https://www.theguardian.com/>.
- Umbach, Frank, ۲۰۰۹. "Global Energy Security and the Implications for the EU", Energy Policy, in Press, Corrected Proof.
- Weaver, Matthew and Alec Luhn (۲۰۱۵), "Ukraine Ceasefire Agreed at

\_\_\_\_\_ قبیله‌گرایی: تبیینی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی در استان چهارمحال و بختیاری ◊  
Belarus Talks”, The Guardian, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2015/feb/12/ukraine-crisis-reports-emerge-of-agreement-in-minsk-talks>, (Accessed on: ۲/۱۱/۲۰۱۵).  
-Ziek, P. (۲۰۱۵). “ Crisis vs. Controversy”, Journal of Contingencies and Crisis Management, Volume ۲۳ Number ۱, P. ۳۶-۴۱.